

رویکردی تحلیلی بر ساز و کار تأثیر منظر موقت بر ارتقاء تعاملات اجتماعی

دکتر مریم چشمه قصابانی*، دکتر حسنعلی لقایی**، دکتر فرح حبیب***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۴/۰۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۰/۱۵

مکیده

مناظر موقت، پوششی موقتی برای مناظر دائمی هستند که اگرچه برای مدت کوتاهی باقی می‌مانند، تأثیرشان بر ادراک ذهنی مردم از محیط و خلق معنی، پایدارتر و مؤثرتر است. در این مقاله تلاش شده است تا با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی با استفاده از شفاف‌سازی متون و بررسی مصادیق به تبیین چگونگی سازوکار تأثیرگذاری منظر موقت پرداخته شود و همچنین با در نظر گرفتن این مقوله به‌عنوان مقوله‌ای جدید، تأثیرات منظر موقت بر رفتار و تعاملات اجتماعی شهروندان مورد بررسی قرار گیرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد؛ منظر موقت با ایجاد تجربه‌ای جدید از منظر، در نقش یک محرک، کنش‌های آگاهانه و ناآگاهانه اجتماعی را به همراه دارد. شهروندان جذب فعالیت‌ها و حضور سایرین می‌شوند و به‌واسطه تجربه و حضوری مشترک خاطرهای جمعی شکل می‌گیرد. تباین فضایی صورت گرفته سبب افزایش حس تعلق می‌شود. درنهایت این نمایش شهری سبب افزایش تعاملات اجتماعی و تبدیل شهروندان به شهروندی فعال می‌گردد.

واژه‌های کلیدی

منظر موقت، تعاملات اجتماعی، خاطره جمعی، حس تعلق، خلق معنی

*دانش‌آموخته دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
**دانشیار، دانشکده هنر و معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات) Email: hlaghai@ut.ac.ir
***استاد، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۱-۱- مقدمه

موضوعی جدید برای مطالعه را به انسان شناسان و به دیگر اندیشمندان، عرضه می‌کند. (فکوهی، ۱۳۸۳، ۲۴۲)

باکم رنگ شدن نقش رویدادها در جوامع و از دست رفتن تدریجی فضای مناسب و تعریف شده برای مشارکت مردم در آنها، که سبب حذف شدن یکی از بسترهای اصلی ایجاد تعاملات اجتماعی می‌شود لزوم پرداختن به بحث منظر موقت احساس می‌شود. چراکه اثر برجای مانده از مناظر موقت بر ذهن مردم، علیرغم عمر کوتاه مناظر موقت، بادوام‌تر و مؤثرتر است. مناظر موقت شهری به‌عنوان بستری برای رویدادها و با استفاده از عناصری که ثابت نیستند، قابلیتی هستند که علاوه بر تأثیر کالبدی، تأثیر گسترده آنها در بهبود و ارتقاء کیفیت فضا را نمی‌توان نادیده انگاشت چراکه کیفیت فضا صرفاً ناشی از عناصر ثابت نیست. از این رو هدف از این پژوهش، تحلیلی است بر سازوکارهایی که منجر به شکل‌گیری مناظر موقتی که زمینه‌ساز بروز رفتارهای اجتماعی و تعاملات شهروندان و ارتباط بیشتر انسان با محیط می‌گردند. ساختار پژوهش در شکل ۱ ارائه شده است.

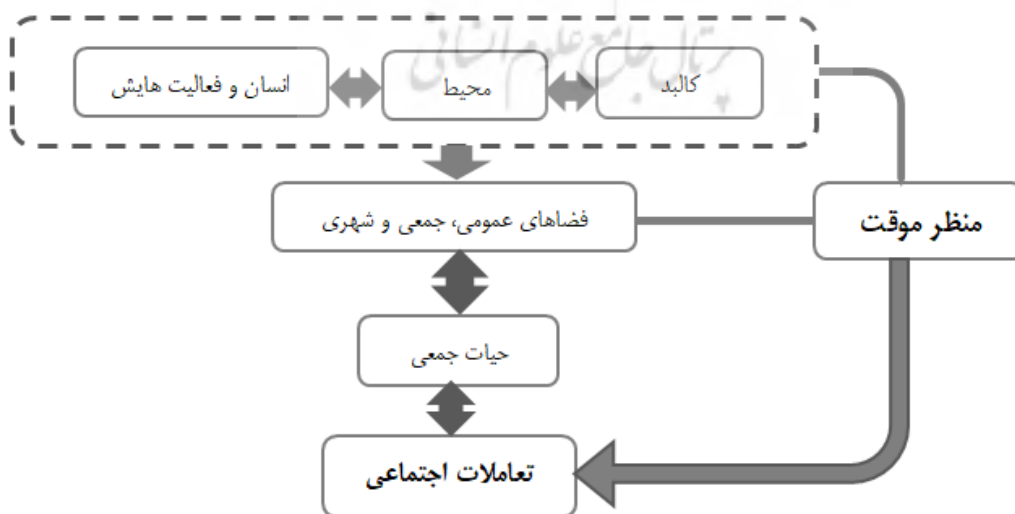
۱-۲ روش پژوهش

منظر موقت مقوله‌ای جدید است که دارای ابعاد بسیار گسترده‌ای است. با توجه به اینکه به این مقوله تخصصی در موارد بسیار محدودی در برخی پژوهش‌ها و طرح‌ها پرداخته شده است قابلیت‌های منظر موقت، آنچنان که باید شناخته نشده و مورد استفاده قرار نگرفته است. به نظر می‌رسد پژوهشی در این رابطه به میزان قابل توجه و به‌صورت روشمند بر این موضوع تمرکز نکرده است. از این رو این پژوهش با ماهیت بنیادی - نظری درصدد است تا با روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از اسناد و متون و بهره‌گیری از نظر اندیشمندان با بهره‌گیری از روش استدلال منطقی به تبیین سازوکار منظر موقت بپردازد

مفهوم منظر برای انسان‌ها متفاوت است. منظره به این خاطر مفید است که خاطرات و تجربیات ما را به یاد می‌آورد. یعنی همان عکس‌العمل‌های احساسی درونی که وقتی ظهور کردند قادرند روند افکار ما را بر هم بزنند. و این همان چیزهای ناخوابسته‌ای است که ما با آن روبه‌رو می‌شویم. زبرا به‌طور وضوح اگر قرار باشد محیط یک عکس‌العمل حسی با یا بدون خواست ما به وجود آورد (کالن، ۱۳۸۲، ۷).

منظر را نمی‌توان تنها در کالبد و عناصر دائمی خلاصه کرد، چراکه کیفیت و معنا را هم دربردارد و نمی‌توان آن را مفهومی تجربیدی و انتزاعی دانست، زیرا از طریق کالبد و حواس ادراک می‌شود و در واقع منظر، پدیده‌ای است عینی - ذهنی. منظر موقت پدیده‌ای همواره در حال تغییر است که تحت تأثیر شرایط مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، رویدادها و حوادث شکل می‌گیرد. تغییراتی در فضا ایجاد می‌کند که در عین بصری (کالبدی) بودن دارای تأثیرات ذهنی بر مردم نیز می‌باشد.

امروز در جهانی زندگی می‌کنیم که در آن انسان‌ها در کلینیک‌ها به دنیا می‌آیند و در بیمارستان‌ها می‌میرند؛ جهانی که در آن موقعیت‌های تفریحی و غیرانسانی دائماً افزایش می‌یابند؛ جهانی که در آن نقاط گذار و اشتغال‌های موقت (هتل‌های زنجیره‌ای، زورآباد نشین‌ها، کلپ‌های تعطیلات، اردوگاه‌های پناهندگان، حلبی‌آبادهای مناسب برای قبرستان‌های خودرو یا برای ابدیتی رو به فساد) در شبکه‌ی مترامکی از وسایل حمل‌ونقل توسعه می‌یابند، و در عین حال چنین فضاهایی، فضاهایی آکنده از انسان‌ها هستند، جاهایی که مشتریان فروشگاه‌های بزرگ، دستگاه‌های توزیع اسکناس و کارت‌های اعتباری با اداهای پرنده وار فروشندگان در هم می‌آمیزند. جهانی که به این ترتیب به فردیت منزوی، به گذار حالت موقت و به روزمرگی، سپرده شده است،



شکل ۱۰ ساختار پژوهش

چهارچوب نظری پژوهش منظر موقت

همان‌طور که اشاره شد منظر موقت ابعاد گسترده‌ای دارد و زمانی که به مفهوم موقت پرداخته می‌شود، ادراک منظر می‌تواند دشوار باشد و هر منظری می‌تواند موقتی باشد. اما کیفیت منحصر به فرد حاصل از رخدادهای مکانی را می‌توان به‌عنوان مفهومی بنیادی از منظر موقت در نظر گرفت. از این‌رو در راستای این پژوهش نظرات و مصادیق مطرح‌شده توسط اندیشمندان در قالب جدول ۲ ارائه می‌گردد.

و در نهایت نقش منظر موقت را به‌عنوان راهکاری متفاوت در ارتقاء کیفیت محیط بررسی و تأثیر آن بر افزایش تعاملات اجتماعی را تدقیق نماید.

پیشینه موضوع

با توجه به ابعاد بسیار گسترده مقوله منظر موقت و اینکه پژوهش گسترده‌ای که دقیقاً به این موضوع پرداخته باشد وجود ندارد در خصوص پیشینه موضوع به موارد محدودی که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به این موضوع مرتبط هستند اشاره می‌شود. (جدول ۱)

جدول ۱. بررسی پیشینه موضوع

پژوهش
لینچ در کتاب «سیمای شهر» شهر را مجموعه‌ای از عناصر کالبدی بلکه مهم‌تر از آن دربرگیرنده انسان‌ها، فعالیت‌ها و رفتارهایشان می‌داند. (لینچ، ۱۳۷۴)
هالپرین در کتاب «شهرها» ا به تجربه فضایی انسان‌ها می‌پردازد به‌گونه‌ای که وی همواره بر نقش مردم و حرکات آنان در پایایی و ماندگاری یک شهر اشاره دارد و زندگی شهری را وابسته بدان می‌داند. (Halprin, 1972)
کری در گفتاری منظر موقت را به‌عنوان ایده‌ای که هر لحظه تجربه جدیدی را برای استفاده‌کنندگان ایجاد می‌کند. مطرح می‌نماید او زمین‌های متروک و رهاشده و یا فضاهای شهری نظیر میدان‌ها و تفرج‌گاه‌ها را به‌عنوان بستری برای انجام ایده منظر موقت مطرح می‌کند. (Correy, 1978)
فکوهی در بخشی از کتاب «انسان‌شناسی شهری» به صوری شدن فضا در قالب صحنه‌ها اشاره می‌کند، و اینکه صحنه‌های زایش یافته، قطعی، غیرقابل انعطاف، ثابت و تغییرناپذیر نیستند. در این زمینه به مصادق‌هایی اشاره می‌کند. (فکوهی، ۱۳۸۳)
گل در کتاب «زندگی در میان ساختمان‌ها» به این مقوله می‌پردازد که در عصر زندگی ماشینی فضاهای همگانی باید به‌گونه‌ای طراحی گردند که علاوه بر بهبود کیفیت آن‌ها، بیشتر فعالیت‌های گزینشی و اجتماعی در آن‌ها به وقوع پیوسته تا زندگی در این فضاها جریان داشته باشد. (گل، ۱۳۸۷)
فضای شهری عنصری ثابت است؛ چارچوب ثابت روزانه در زندگی شهری عنصر منعطف شامل تسهیلات موقت خاص و وقایعی است که ممکن است در طول سال در فضای شهر رخ دهند. (گل، ۱۳۹۲)
آشی هارا در بخشی از کتاب «زیباشناسی منظر شهر» از مناظر موقتی ژاپن یاد می‌کند و با اشاره به عناصر آن و رفتار مردم ژاپن در ارتباط با این عناصر و مناظر در بخش‌هایی به مقایسه با اروپا می‌پردازد. به منظر موقت ایجادشده توسط آیین‌ها و مناسبت‌ها در ژاپن می‌پردازد، به مناظر موقت فصلی و نحوه تأثیر بر فضا اشاره می‌نماید و همچنین منظر موقت را به‌عنوان مقطع ثانویه برای بناها در ژاپن در مقایسه با کشورهای اروپایی تعریف می‌کند. (آشی‌هارا، ۱۳۹۱)
آدا در پژوهشی، منظر موقت را از جنبه کالبدی بررسی می‌کند و آن را با عنوان اثر سبز آنی مطرح می‌کند. (Ada, 2006)
استیونز در مقاله‌ای به بررسی انتقادی از تحقیقات نظری و مطالعات تجربی از کاربردهای موقت فضای شهری متروک و انتقال متعاقب آن‌ها به سیاست‌های برنامه‌ریزی محلی می‌پردازد. (Stevens, 2012)
سنیول در یک پژوهش به بررسی سازماندهی رویدادها در فضاهای عمومی باز به‌طور موقت برای انواع مختلف رویدادها (به‌عنوان مثال هنر و فرهنگ، ورزش، علم و آموزش، تفریح و سرگرمی) می‌پردازد و فرصت استفاده موقت مردم از فضاهای باز برای رویدادها را مورد مذاقه قرار می‌دهد. (Senyol, 2010)
مایو در مقاله‌ای ضمن ارائه تعاریفی برای منظر موقت یک طبقه‌بندی مفهومی را به‌صورت محدود برای منظر موقت ارائه داده است و از آن با عنوان مکانی برای رویدادها بر مبنای شرایط اجتماعی یاد می‌کند. (Mayo, 2009)
راپاپورت در کتاب «معنای محیط ساخته‌شده» به تعریف عناصر نیمه ثابت و متحرک می‌پردازد و قابلیت‌هایی که این عناصر جهت تغییر در محیط را دارند تشریح می‌نماید. (راپاپورت، ۱۳۹۱)

جدول ۲. نظرات اندیشمندان و مصادیق مطرح شده در زمینه منظر موقت

اندیشمندان	نظرات
آشی هارا	<p>آشی هارا به تفاوت ادراک فرهنگ ژاپنی از فضا؛ و تمایز ادراک ژاپنی‌ها اشاره می‌کند. در این شیوه نگرش فضا به‌عنوان چیزی که با مصالح سنگین و حضور و وجود دیوارهای محصورکننده تعریف شود، ادراک نمی‌شود. فضا چشم‌اندازی از جریان تغییرات و دگرگونی‌های مداوم است. وی به فضاهایی نمادین در فصل شکوفه کردن درخت‌های گیلاس اشاره می‌کند. فرش حصیری قرمز رنگی را زیر درختان پهن می‌کنند و دوستان و فامیل دور آن جمع می‌شوند. حصیر به‌وضوح فضا را تعیین حدود می‌کند، کسانی که دور آن جمع شده‌اند را متحد کرده و به آن جمع و اطرافیان القا می‌کند همگی عضو یک گروه‌اند. با اشاره به خلق فضای نمادین با پرده‌های نخی عنوان می‌کند؛ از پرده با خطوط پهن قرمز و سفید برای مناسبت‌های فرخنده و پرده با خطوط مشکی و سفید برای مراسم عزاداری استفاده می‌شود. مرزی که نقش دیوار را ایفا می‌کند اغلب نامرئی است، یا حتی اگر قابل‌رویت باشد غیر محسوس و منظری موقتی است. در صورت عدم نیاز به فضای خلق‌شده؛ تجهیزاتی که قلمرو آن را تعریف کرده است جمع‌آوری و فضا به همان سرعت که خلق شده بود، ناپدید می‌گردد و منظر طبیعی بدون تغییر باقی می‌ماند. مثالی دیگر مناظر موقتی در فصل تابستان در کیوتو^۱ در امتداد رودخانه کیبون^۲ است. رستوران‌های موقتی که در آن‌ها مواد غذایی و نوشیدنی‌ها در فضایی سنتی و دلنشین سرو می‌شود. با اتمام فصل و جمع‌آوری عناصر موقت، منظر رودخانه به حالت اصلی و قبلی خود بازمی‌گردد. (آشی هارا، ۱۳۹۱)</p>
کرمونا	<p>نشان دادن تمایل به مناظر جدید و تجربیات لذت‌بخش دلالت بر مکاشفه دارد که به گوناگونی و تغییر وابسته است. در عین حال که این نتایج ممکن است به‌سادگی با گذر زمان و چرخش فصول به وجود آیند همچنان می‌توانند از مدیریت و حرکت و پویایی فضایی عمومی نتیجه شوند. (Carmona et al., 2003)</p>
کری	<p>اگر محیط پیرامون خود را بیشتر بررسی کنیم، درمی‌یابیم که تنها چیزی که می‌توانیم از آن مطمئن باشیم، تغییر است. «کری» توجه مخاطبان خود را به فضاهای شهری، خیابان‌ها و فضاهای بدون استفاده بناها، به‌عنوان قابلیت‌هایی که به‌عنوان بسترهای مناظر موقت تا حدودی فراموش شده‌اند معطوف می‌دارد؛ همچنین میدان‌ها و تفرجگاه‌های شهری که با دقت طراحی شده و با هزینه‌های زیاد ساخته شده‌اند، خیابان‌های با عرض زیاد، جلو و پشت حیاط‌هایی که اغلب در قسمت‌های فرعی مسکونی بی‌استفاده‌اند، فضاهای باز همگانی هدررفته در اطراف آپارتمان‌های بلند و توده‌های چمن آراسته‌شده در طول آزادراه‌ها و عنوان می‌کند که هیچ فرصتی برای از دست دادن تجربه طرح‌های منظر موقت در فضاهای شهری، حومه شهر و فضاهای روستایی نیست (Correy, 1987).</p>
هال	<p>فضاهای ثابت به نظر هال، ساختارهای عمومی معماری هستند درحالی‌که درون این فضاها ما با فضاهای نیمه ثابت، و فضاهایی کاملاً متحرک، یعنی روابط جاری، روبه‌رو هستیم. (هال، ۱۳۷۶ به نقل از فکوهی، ۱۳۸۳، ۲۳۸)</p>
لاوسون	<p>معماری فضا را سازماندهی می‌کند و ساختار می‌دهد. اثباتی که درون معماری محصور می‌شوند و فضاهای آن را اشغال می‌کنند، ممکن است با استفاده از زبان فضا فعالیت‌ها را تسهیل یا از آن جلوگیری کنند. «لاوسون» در کتاب زبان فضا به موقعیت‌هایی می‌پردازد که از مبلمان [عناصر نیمه ثابت] برای جانمایی انسان در فضا استفاده می‌شد که متعاقباً با ایجاد مکان - رفتارهای مناسب یا نامناسب، سبب تسهیل یا ممانعت از ایجاد روابط دلخواه آنان بود (لاوسون، ۱۳۹۱).</p>
لینچ	<p>نشانه‌گذاری‌ها با ایجاد تفاوت در اشیاء و رفتارها و ذهنیت‌ها سبب «خوانایی» و «قرائت پذیری» (به‌اصطلاح لینچ) می‌شوند و می‌توانند صحنه را به شکل ثابت، نیمه ثابت و یا با پویایی کامل درآورند. (لینچ، ۱۳۷۶ به نقل از فکوهی، ۱۳۸۳، ۲۳۸-۲۳۷)</p>
مایو	<p>برخی از مناظر موقت ممکن است هرگز دوباره اتفاق نیفتند. تعدادی فصلی هستند، و به‌صورت سالیانه تجربه می‌شوند. برخی ممکن است هر هفته یا هر روز، با آن‌ها مواجه شویم. رویدادهای اجتماعی می‌توانند دریافت ما از یک محیط که صرفاً توسط حضور مردم و مصنوعات موقت آن‌ها در این مکان تغییر داده شده است را تغییر دهند. رژه، مراسم تدفین، بازی‌های ورزشی، کنسرت‌های فضای باز و مناظر این‌چنینی به‌طور موقت تغییر شکل می‌دهند، در غیر این صورت منظر، فضایی بدون تغییرات قابل‌توجه ویژگی‌های کالبدی، بازتعریف می‌شود. صحنه‌های متفاوت منظر از یک مکان، برگزاری یک رویداد و تغییر مجدد دادن یک مکان برای استفاده از آن در یک دوره طولانی، مجموعه‌ای از چشم‌اندازهای منحصربه‌فرد را ایجاد می‌کند. مناظر موقت نتیجه رویداد اجتماعی برنامه‌ریزی شده یا واکنشی هستند، و حاصل آن اساساً سازنده یا تباہ‌کننده می‌باشد. (Mayo, 2009)</p>
راپاپورت	<p>راپاپورت در رابطه با عناصر نیمه ثابت که قابلیت تغییر در محیط را ایجاد می‌کنند بیان می‌کند؛ عناصر نیمه ثابت شامل انواع مختلف چیدمان، مبلمان، پرده، اثاثیه، گیاهان، تابلوهای راهنما، مبلمان خیابان، تابلوهای تبلیغاتی، ویرترین مغازه‌ها، جانمایی حیاط و تزیینات چمن و سایر عناصر شهری است. این عناصر به‌آسانی و به‌سرعت تغییر می‌کنند و درداند معنی به مکانی که به آن تعلق دارند واجد نقش مهمی می‌باشند و اهمیت آن‌ها در برقراری ارتباط بیشتر از عناصر کالبدی ثابت است. بیشتر مردم خود را از محیط‌های ساخته‌شده آماده، و عناصر کالبدی ثابت که به‌ندرت تغییر می‌کنند رها می‌کنند و تمایل دارند با داشتن حق انتخاب شخصی؛ خود به ایجاد و برقراری ارتباط بپردازند. (راپاپورت، ۱۳۹۱)</p>
یان گل	<p>شهر مکان ملاقاتی است برای تبادل موسیقی، اجرا و نمایش استعدادها برای دیگران. همه این فعالیت‌ها اشکال رنگارنگ و بااهمیت ملاقات در فضای شهری هستند. وی یک دسته‌بندی از عناصر شهری ارائه می‌دهد؛ فضای شهری عنصری ثابت است؛ چارچوب ثابت روزانه در زندگی شهری عنصر منعطف شامل تسهیلات موقت خاص و وقایعی است که ممکن است در طول سال در فضای شهر رخ دهند؛ شنا و قایق‌سواری در لنگرگاه در تابستان، پیست اسکیت در زمستان، بازارهای کریسمس، کارناوال‌های سالیانه، سیرک در شهر، هفته فستیوال و همه دیگر وقایعی که می‌توانند به‌نوبت در فضای شهری جای گیرند. و نهایتاً عنصر موقت تعداد زیادی وقایع جزئی در شهر است؛ جشن‌های ساحلی، آتش‌بازی‌ها، کنسرت‌های درون میدان‌ها، سرگرمی در پارک‌ها، جشن آتش در میانه تابستان و غیره. در انتهای این درجه‌بندی وقایع موقت اما شاد نوازندگان خیابانی، تئاتر خیابانی، جشن‌های خیابانی و شب‌شعرا را، به‌عنوان چند نمونه، می‌توان نام برد. (گل، ۱۳۹۲)</p>
حبیب	<p>شکل شهر علاوه بر عناصر کالبدی شهر، شامل فعالیت‌ها، جریانات و سیستم‌های حرکتی، انسانی و تمامی نیروهای زندگی شهر است که هنوز توسط ذهن انسان ارزش‌گذاری نشده است و حوزه اتفاقات بالقوه حیات شهر با تمام مظاهر مادی و غیرمادی آن است. (حبیب، ۱۳۸۵)</p>

ادامه جدول ۲. نظرات اندیشمندان و مصادیق مطرح شده در زمینه منظر موقت

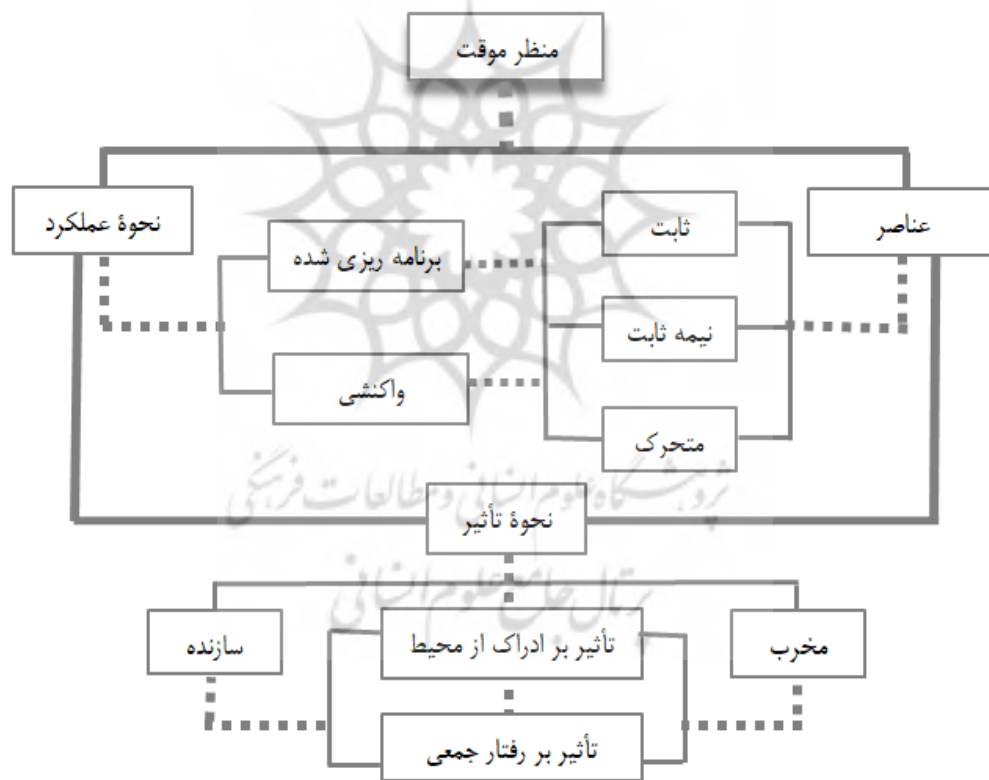
فکوهی
 صوری شدن فضا در قالب صحنه‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است، اما این بدان معنی نیست که صحنه‌های زایش یافته، قطعی، غیرقابل انعطاف، ثابت و تغییرناپذیر باشند. از کوچک‌ترین فضاها تا بزرگ‌ترین آن‌ها، صحنه‌ها می‌توانند به صورت‌های مختلف همزمان یا در زمان نسبت به یکدیگر سازمان‌یافته و ترکیب‌های متفاوتی ایجاد کنند. درون یک فضا می‌توان محیط‌های بی‌شماری را یافت، مثلاً یک استادیوم ورزشی ممکن است در یک‌زمان خاص این یا آن مسابقه را در خود جای دهد. در زمانی دیگر صحنه برگزاری یک نمایش شود، یا یک کنسرت موسیقی، یا یک همایش سیاسی. یک میدان شهری، ممکن است یک گره در نظام حمل‌ونقل شهری باشد و یا یک محل بازار و یا یک محل گردهمایی و غیره. (فکوهی، ۱۳۸۳)

با جمع‌بندی نظرات بررسی شده جهت تدقیق سازوکار منظر موقت، مدل ساختاری آن در قالب شکل ۲ ارائه می‌گردد.

تعاملات اجتماعی

تعاملات اجتماعی کاهش یافته است. این فقدان ارتباط علاوه بر تأثیرات مخرب فردی مشکلات اجتماعی نظیر کاهش حس سرزندگی، افزایش جرم خیزی، کاهش اعتماد اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی و غیره را باعث می‌شود (تبریزی و همکاران، ۱۳۹۳).

یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان ارتباط و تعاملات به‌ویژه در سطح اجتماعی است. در دنیای مدرن امروز به‌ویژه در شهرهای پرجمعیت به دلایل مختلف، بر این اساس نظرات اندیشمندان در رابطه با حیات جمعی و تعاملات اجتماعی و نقش آن در جدول ۳ جمع‌آوری شده است.



شکل ۲. مدل ساختاری منظر موقت

جدول ۳. نظرات اندیشمندان در رابطه با حیات جمعی و تعاملات اجتماعی شهروندان

جدول ۳. نظرات اندیشمندان در رابطه با حیات جمعی و تعاملات اجتماعی شهروندان

اندیشمند	نظرات	
الکساندر	<p>بر اساس نظر کریستوفر الکساندر^{۱۲}، رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوند جویی و احساس تعلق به مکان یک ضرورت است. وی معتقد است فعالیت‌هایی چون تعامل با دیگران و مشاهده فعالیت‌های مردم، با به وجود آوردن زمینه‌های اجتماعی شدن و اجتماع‌پذیری به رشد فردی انسان کمک می‌کند. درعین حال تعامل اجتماعی، نگرش افراد با پیشینه‌های ذهنی و ویژگی‌های متفاوت را به یکدیگر نزدیک می‌کند (الکساندر، ۱۳۸۷).</p>	
کرمونا	<p>انطباق مردم در فضا و زمان، فرصت‌هایی را برای ارتباط و کنش‌های اجتماعی فراهم می‌آورد. عوامل یا رویدادهای غیرمعمول می‌تواند به فرایندی منجر شود؛ که طی آن تعدادی محرک خارجی باعث ارتباط بین مردم می‌گردد و غریبه‌ها را به صحبت با سایر ناآشناها به‌مثابه اینکه همدیگر را می‌شناسند تشویق می‌کند. ترتیب قرارگیری عناصر مختلف - نیمکت‌ها، تلفن‌ها، فواره‌ها، مجسمه‌ها- در فضاهای عمومی می‌تواند به‌اندازه‌ای بیشتر یا کمتر به کنش‌های اجتماعی منجر شود. پروژه فضای عمومی بیان می‌کند که چگونه کنش‌های اجتماعی ناآگاهانه درجایی که چیزی موردعلاقه مثل مجسمه‌های گاو فایبر گلاس بادوام طراحی شده توسط هنرمندان و در خیابان‌های شیکاگو به‌عنوان یک اثر هنر عمومی استقرار یافته‌اند، روی می‌دهد؛ گاو‌ها بهانه‌ای برای مردمی که یکدیگر را برای شروع صحبت باهم نمی‌شناسند، ایجاد می‌کنند. (Carmona, 2003, 167)</p>	
کر و همکاران	<p>طبق دیدگاه «کر» و همکاران فضاهای عمومی به‌عنوان «بستر مشترکی که مردم فعالیت‌های کارکردی و مراسمی را که پیونددهنده اعضای جامعه است، در آن انجام می‌دهند، چه روزمرگی‌های معمولی باشد و چه جشنواره دوره‌ای». «صحنه‌ای است که به روی آن نمایش زندگی جمعی، در معرض دید قرار می‌گیرد» (مدنی پور، ۱۳۷۹)</p>	
گل	<p>طبق دیدگاه «یان گل^{۱۴}» فعالیت‌های اجتماعی از جمله فعالیت‌های اساسی انسان‌ها در فضاهای باز شهری است. «یان گل» در رابطه با تعامل اجتماعی سه گونه فعالیت‌های بیرونی در محیط مصنوع را معرفی می‌کند که شامل فعالیت‌های ضروری، فعالیت‌های انتخابی و فعالیت‌های اجتماعی می‌باشند. فعالیت‌های ضروری، فعالیت‌هایی هستند که حالتی اجباری دارند و شامل فعالیت‌های روزانه از قبیل رفتن به محل کار، خرید و غیره می‌باشند. فعالیت‌های انتخابی شامل تمایل به انجام فعالیتی در زمان و مکان مساعد هستند مانند نشستن، بازی و غیره. فعالیت‌های اجتماعی فعالیت‌هایی است که وابسته به حضور دیگران در فضای عمومی است شامل تماشا کردن دیگران، صحبت کردن و غیر (گل، ۱۳۸۷).</p>	
<p>شهرها و فضاهای شهری می‌توانند صحنه را برای فعالیت‌های خاصی آماده کنند. اگر در فضای شهری زندگی و فعالیت وجود داشته باشد تبادلات اجتماعی فراوانی نیز وجود خواهد داشت. اگر فضای شهری متروک و خالی باشد هیچ اتفاقی رخ نمی‌دهد. فعالیت‌های اجتماعی شامل طیف وسیعی از فعالیت‌های متنوع است. تعداد زیادی ارتباط منفعل شنیداری و دیداری وجود دارد مثلا تماشا کردن مردم و رخدادها. این شکل ساده و فروتنانه ارتباط گسترده‌ترین بخش فعالیت اجتماعی شهر است. ارتباطات فعال تری هم وجود دارد. مردم سلام و احوال‌پرسی می‌کنند و با آشنایانشان سخن می‌گویند. در فضاهای خرید، روی نیمکت‌ها و هر جا که مردم منتظراند ملاقات اتفاقی و مکالمات کوتاه روی می‌دهد. مردم آدرس می‌پرسند و اطلاعات مختصری در مورد آب‌وهوا و یا زمان رسیدن اتوبوس بعدی ردوبدل می‌کنند. گاهی ممکن است از این ارتباطات کوتاه ارتباطات گسترده‌تری نشأت بگیرد. در نهایت گروه بزرگی از فعالیت‌های مشترک کم‌ویش برنامه‌ریزی شده نیز وجود دارد. بازارها، بزم‌های خیابانی، ملاقات، رژه و تظاهرات. مردم جایی جمع می‌شوند که اتفاقاتی می‌افتد و خودبه‌خود به دنبال حضور دیگران هستند. «گل» مهم‌ترین جذابیت شهر را مردم می‌داند و از شهر به‌عنوان مکان ملاقات یاد می‌کند. از دیدگاه وی، در طول تاریخ، فضای شهر در سطوح مختلف برای شهرنشینان به‌مثابه فضای ملاقات عمل کرده است. مردم یکدیگر را ملاقات و اخبار ردوبدل می‌کردند، معامله می‌کردند و برای مراسم ازدواج برنامه می‌ریختند- هنرمندان خیابانی مردم را سرگرم می‌کردند و کالاهایی برای فروش ارائه می‌شد. مردم در وقایع کوچک و بزرگ شهر، شرکت می‌کردند. حرکت‌های دسته‌جمعی صورت می‌گرفت، قدرت به نمایش گذاشته می‌شد، جشن‌ها و مجازات در حضور عموم اجرا می‌شد و همه چیز در معرض دید عموم قرار می‌گرفت. شهر محل ملاقات بود. زندگی در شهر روندی است که خود را تقویت می‌کند. اتفاقی می‌افتد چون اتفاقی می‌افتد. به‌محض اینکه بازی بچه‌ها آغاز شود افراد بیشتری به آن جذب می‌شوند. همین روند در فعالیت‌های بزرگسالان نیز وجود دارد. انسان‌ها جایی می‌روند که انسان‌ها هستند. «مردم جایی می‌آیند که مردم هستند». این یک جمله معروف اسکاندیناویایی است. مردم ناخودآگاه جذب فعالیت‌ها و حضور مردم دیگر می‌شوند. کودکان از پنجره کودکان دیگر را می‌بینند که بیرون از خانه مشغول بازی هستند و به‌سرعت به آن‌ها می‌پیوندند. (گل، ۱۳۹۲)</p>	<p>از دیدگاه هالپرین هر شهر دستاورد هنر خلاقانه‌ای از اجتماع و نیازمند حضور پیوسته و پرنرژری تمام شهروندان است (Halprin, 1972, 9-14)</p>	هالپرین
لنگ	<p>«جان لنگ» موضوع الگوهای تعامل اجتماعی را از آن‌جهت حائز اهمیت می‌داند که «تعامل اجتماعی و دلبستگی مردم با محیط‌های اجتماعی و ساخته‌شده رابطه تنگاتنگی دارد». وی توجهات اخیر به فضاهای عمومی را از علاقه روزافزون مردم به فعالیت‌های خیابانی مثل دادوستدهای خیابانی، غذا خوردن در بیرون از خانه، پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری می‌داند. به نظر او عرصه‌های عمومی باید معنادار، دموکراتیک و نیز پاسخگو به این معنا که طراحی و مدیریت فضا به‌گونه‌ای باید باشد که نیازهای استفاده‌کنندگان را برآورده سازد. همچنین پنج نیاز اساسی مردم را که در عرصه عمومی باید به آن پاسخ گفت چنین می‌شمارد: ۱. راحتی، ۲. آسودگی، ۳. مشارکت غیرفعال با محیط، ۴. مشارکت فعال، ۵. اکتشاف. (لنگ، ۱۳۸۱).</p>	

ادامه جدول ۳. نظرات اندیشمندان در رابطه با حیات جمعی و تعاملات اجتماعی شهروندان

لاوسون «لاوسون» معتقد است همه ما در طول زندگی، زمانی که در فضا حرکت می‌کنیم و خود را در ارتباط با دیگران قرار می‌دهیم، کاربر فضا هستیم. فضا مکان-رفتارهایی را خلق می‌کند که زندگی، فعالیت‌ها و رابطه‌های انسانی را سازمان می‌دهد. همه مردم باهم تفاوت دارند، ولی به‌طور کلی رابطه مستقیم مردم با فضاها یا ساختمان‌ها نیست که بیشترین اهمیت را دارد، بلکه رابطه میان مردم مهم‌تر است. (لاوسون، ۱۳۹۱)

مامفورد «مامفورد» عملکرد اصلی فضای شهری را شکل جمعی دادن به شهر می‌داند. «مارتن بوپر» آن را به‌درستی رابطه بین من و تو نامیده است. عملکردی که امکان گردهمایی‌های بسیار، ملاقات‌های متعدد و رقابت‌های فراوان بین افراد و گروه‌های متفاوت را فراهم کرده است، به‌گونه‌ای که نمایش زندگی اجتماعی بتواند در آنجا به روی صحنه بیاید، بازیگران و تماشاگران، به ترتیب نقش خود را عوض می‌کنند، عملکرد اجتماعی فضاها را از شهری تجمع افراد را ممکن می‌سازد» (شوای، ۱۳۷۵، ۳۶۴).

مازلو بر اساس هرم مازلو، انسان‌ها نیازمند برقراری روابط اجتماعی‌اند. مازلو این نیاز را ناشی از نیاز جسمی، نیاز به ایمنی و اطمینان، نیاز به روابط اجتماعی، نیاز به احترام و منزلت و تایید و تشویق می‌داند (گیدنز، ۱۳۷۳، ۱۰۹).

سنت؛ وایت؛ حیات جمعی فرصتی جهت رها شدن از تنش‌های روزمره، گذران اوقات فراغت، تعاملات اجتماعی و گردهمایی افراد و گروه‌های مختلف و بستری برای حضور، آزادی بیان و ابراز آن‌ها در فضا است. حیات جمعی در فضاهای باز عمومی درگرو ترویج تعاملات اجتماعی (Sennette, 1974, 215)، جذب افراد و گروه‌های مختلف (Whyte, 1980)، امنیت اجتماعی و در نتیجه ترغیب به افزایش تحمل گروه‌های مختلف در فضا، جامعه‌پذیری بیشتر (Marcus & Francis, 1998) و ایجاد فضایی فعال و سرزنده است. (بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲)

مدنی پور فضای عمومی یک دنیای نهادی و مادی مشترک و فضای حائلی است که امکان حضور مشترک را فراهم کرده، روابط متقابل میان افراد را تنظیم می‌کند. ما با حضور در مکانی که دیگران نیز در آن حضور دارند به تجربه مشترکی از جهان می‌رسیم. ما با حضور مشترک در نهادهایی خاص همچون آیین‌ها و مناسک، نمایش‌ها و اجراها، گفت‌وگوهای دسته‌جمعی هم می‌توانیم به تجربه مشترک دست یابیم. در بسترهای شهری پیش از مدرن، فضاهای عمومی نظیر میدان‌ها عمومی و بازارها، نقش ایجادکننده ارتباطات میان مردم را داشتند. جاهایی بودند که در آن‌ها شکلی از کنش متقابل اجتماعی میان شمار زیادی از مردم امکان‌پذیر می‌شد. (مدنی پور، ۱۳۷۹)

حیبب «فضاهای عمومی شهر» را می‌توان عرصه‌ای دانست که داستان زندگی جمعی در آن‌ها گشوده می‌شود و مکانی نه صرفاً کالبدی، برای ایجاد تعاملات اجتماعی و مراودات شهروندی را فراهم می‌کند (حیبب، نادری، جهانشاهلو، و فروزانگهر، ۱۳۹۱).

ژان ژاک روسو می‌گوید؛ این خانه‌ها نیستند که شهر را می‌سازند بلکه شهروندان هستند. در جهت کاهش نقش مصرفی شهروندی و افزایش نقش شهروندی، این امر با افزایش گفتگو و تعاملات اجتماعی بین شهروندان به‌منظور خلق روحیه مشارکت شهروندی و ایجاد احساس تعلق به مکان از طریق ایجاد فضای گفتگو نظیر جشنواره، برگزاری مراسم سنتی، مذهبی، جشن‌ها، اعیاد، تعزیه، کارناوال و موارد دیگر امکان‌پذیر است. (حیبب، ۱۳۸۷)

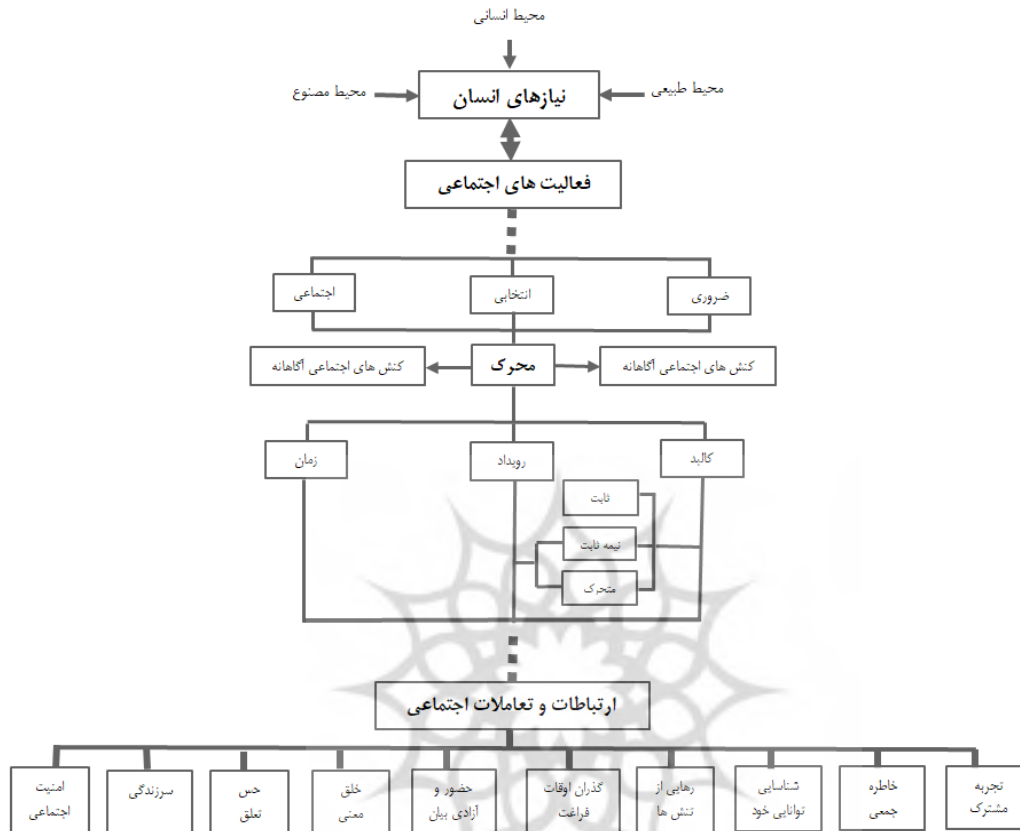
با استفاده از تحلیل نظرات بررسی‌شده، مدل ساختاری تعاملات اجتماعی در قالب شکل ۳ ارائه می‌شود.

اجتماعی شهروندان مصادیقی از مناظر موقت در ایران که جنبه عمومی دارند موردبررسی قرار گرفت. بررسی مصادیق طبق دسته‌بندی ارائه‌شده در شکل ۴ صورت گرفته است.

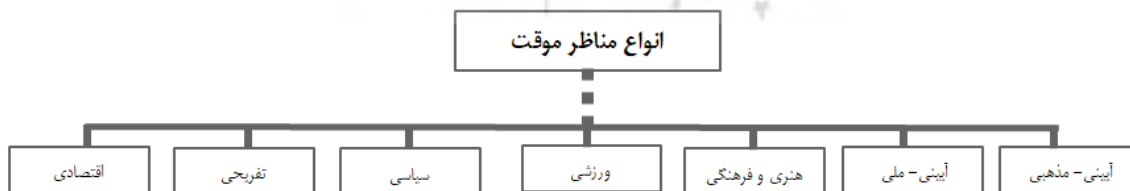
همچنین جهت بررسی مصادیق موردنظر به دلیل تعداد زیاد مؤلفه‌های مربوط به تعاملات اجتماعی، مؤلفه‌های تجربه مشترک، خاطره جمعی و احساس تعلق انتخاب گردید. (جدول ۴)

بررسی مصادیق و نمونه‌هایی از منظر موقت مؤثر بر تعاملات اجتماعی

بر اساس آنچه بررسی شد جهت تدقیق نحوه تأثیر مناظر موقت بر تعاملات



شکل ۳. مدل ساختاری تعاملات اجتماعی



شکل ۴. دسته‌بندی مناظر موقت مؤثر بر تعاملات اجتماعی

نوع منظر	عناصر	تأثیر	مشترک	تجربه	خطاره	نحوه تأثیر	احساس	تملق
آیینی - ملی	آتش افروختن، عناصر خاص آتش افروختن، فضاهای شهری و محلی	فضاهای باز، فضاهای شهری و محلی	مجموع و حضور مردم، پریدن، از روی آتش، حرکت در محلات برای قاشق زنی و ...	مسترک	تجربه مشترک	نحوه تأثیر	احساس	تملق
آیینی - محلی	مراسم قاشق زنی	فضاهای باز، شهرهای و محلی، بازارها، بازارچه‌ها	تجمع و حضور و تکاپوی شهروندان و فروشندهگان	مسترک	تجربه مشترک	نحوه تأثیر	احساس	تملق
آیینی - محلی	مراسم افروختن آتش از روی آتش	فضاهای شهری و محلی	تجمع و حضور مردم، پریدن، از روی آتش، حرکت در محلات برای قاشق زنی و ...	مسترک	تجربه مشترک	نحوه تأثیر	احساس	تملق



مراسم افروختن آتش و پریدن از روی آتش



مراسم قاشق زنی



بازارچه های موقت جهت فروش وسایل هفت‌سین



سیرده به در (حضور در پارک شهری)

چهارشنبه‌سوری یکی از مراسم دیرپای استقلال از عید نوروز و بهار است. در گذشته، مردمان آتش را نماد روشنی، طراوت و سازندگی می‌دانستند و به همین دلیل در غروب آخرین سه‌شنبه اسفندماه با یوتبه آفریزی و پریدن از روی آن یا تازیکی و زمستان وداع می‌کردند و به نوروز و بهار خوشامد می‌گفتند و با اجرای مراسمی مانند آب‌پاشی به یکدیگر، پاشی و شادانی طبیعت را به‌سوی خود فرامی‌خواندند. چهارشنبه‌سوری مجموعه‌ای از آیین‌های گوناگون است. نقل زدن، اسفند دود کردن، قاشق زنی و شال اندازی در کنار سایر مراسم به این جشن حال و هوای با طراوتی می‌بخشد. امروزه برخی از این مراسم کم‌رنگ شده و مانند سابق اجرا نمی‌شود (دوستی و شاهرودی، ۱۳۹۰). اگرچه در سال‌های اخیر چهارشنبه‌سوری شکل دیگری به خود گرفته، چنانچه این مراسم بدرستی اجرا گردد به‌عنوان منظر موقتی که سالانه رخ می‌دهد اثرات مثبتی بر شهروندان خواهد داشت. تنشای رقص آتش، شادی و سروری که با پریدن از روی آتش در یک مراسم گروهی به ادبی دست می‌دهد همه و همه اثرات مثبت روانی برای فرد به همراه داشته، تجربه‌ای مشترک را رقم می‌زند و چون اغلب در فضاهای شهری در مقابله‌های مختلف می‌تواند صورت‌بندی به‌صورت خاطره جمعی در گروه‌های مختلف ضمن ایجاد حس قلمرویی حس تعلق را به ارمغان می‌آورد.

نوروز جشن آغاز سال، از کهن‌ترین جشن‌های به‌جامانده از دوران ایران باستان است. نوروز به‌عنوان میراث فرهنگی، در دوران معاصر همواره مورث‌وجه مردم قرار گرفته است و مردم مناطق گوناگون قلات ایران آن را جشن می‌گیرند. این جشن با مراسم گوناگونی نظیر خانه‌نکاحی، آتش‌افروزی، سفره‌های نوروزی و سفره هفت‌سین و دینوبازدید خویشاوندان و اشیای همراه است. هرسال با نزدیک شده فصل بهار چهره شهرها رنگ دیگری به خود می‌گیرد و منظر موقتی جهت استقبال از بهار ایجاد می‌گردد بازارچه‌های موقت جهت ارائه عناصر موجود در هفت و سین و مراسم عید نوروز شکل می‌گیرد و به همراه حضور و تکاپوی شهروندان باهدفی مشترک، فضای جمعی سرزنده‌ای را پدید می‌آورد. این مناظر موقت حس تعلق را برای شهروندان به ارمغان می‌آورند.

یکی از آیین‌های نوروز، مراسمی است تحت عنوان سیرده به در، مراسمی که در میان اقوام مختلف دچار تحول و دگرگونی بسیار گردیده است. در روز سیزدهم فروردین مردم آیین به دامن طبیعت می‌روند تا همراه خانواده خود آیین‌ها و مراسم ویژه این روز را برگزار نمایند. این حضور در بستر طبیعت چه در فضای شهری و چه خارج از آن منظر موقت را شکل می‌دهد. رفتارهای جمعی خانوادگی، ایرانی در میان سایر گروه‌های مشابه رویدادی منحصر به‌فرد را رقم می‌زند. هر خانواده با ایجاد قلمرویی با عناصر موقت ضمن ایجاد حریم حضوری مشترک را در حیات جمعی تجربه می‌کنند و خاطراتی جمعی به همراه حس تعلق را رقم می‌زند.

ادامه جدول ۳. نمونه‌های مناظر موقت و نحوه تأثیر بر تعاملات اجتماعی شهروندان

نوع منظر	نمونه	عناصر	تأثیر	متحرک	تجربه مشترک	نحوه تأثیر	احساس تعلق جمعی		
آیینی - ملی	<p>چهارشنبه‌سوری یکی از مراسم دیرپای استقبال از عید نوروز و بهار است. در گذشته، مردمان آتش را نماد روشنی، طراوت و سازندگی می‌دانستند و به همین دلیل در غروب آخرین سه‌شنبه اسفندماه با توته افروزی و پریدن از روی آن با تاریکی و زمستان و باغ می‌کردند و به نوروز و بهار خوشامد می‌گفتند و با اجرای مراسمی مانند آبپاشی به یکدیگر، پاک‌ی و شادابی طبیعت را به‌سوی خود فرامی‌خواندند. چهارشنبه‌سوری مجموعه‌ای از آیین‌های گوناگون است. تقال زدن، اسفند دود کردن، قاشق زنی و شال اندازی در کنار سایر مراسم به این جشن حال و هوای با طراوتی می‌بخشد. امروزه برخی از این مراسم کمرنگ شده و مانند سابق اجرا نمی‌شود (دوستی و شاهرودی، ۱۳۹۰). اگرچه در سال‌های اخیر چهارشنبه‌سوری شکل دیگری به خود گرفته، چنانچه این مراسم به‌درستی اجرا گردد به‌عنوان منظر موقتی که سالیانه رخ می‌دهد اثرات مثبتی بر شهروندان خواهد داشت. تماشای رقص آتش، شادی و سرور و پریدن از روی آتش در یک مراسم گروهی به آدمی دست می‌دهد همه و همه اثرات مثبت روانی برای فرد به همراه داشته، تجربه‌ای مشترک را رقم می‌زند و چون اغلب در فضاهای شهری در مقیاس‌های مختلف می‌تواند صورت بپذیرد به‌صورت خاطره جمعی در گروه‌های مختلف ضمن ایجاد حس قلمروپایی حس تعلق را به ارمغان می‌آورد.</p>	<p>فضاهای باز، فضاهای شهری و محلی</p>	<p>آتش افروختن، عناصر خاص</p>	<p>تجمع و حضور مردم، پریدن از روی آتش، حرکت در محلات برای قاشق زنی و ...</p>	<p>* * * * *</p>	<p>نوروز جشن آغاز سال، از کهن‌ترین جشن‌های به‌جامانده از دوران ایران باستان است. نوروز به‌عنوان میراث فرهنگی، در دوران معاصر همواره مورد توجه مردم قرار گرفته است و مردم مناطق گوناگون قلات ایران آن را جشن می‌گیرند. این جشن با مراسم گوناگونی نظیر خانه‌تکانی، آتش افروزی، سفره‌های نوروزی و سفره هفت‌سین و دیدوبازدید خورشیدخوان و آشنایان همراه است. هرسال با نزدیک شده فصل بهار چهارشنبه‌سوری رنگ دیگری به خود می‌گیرد و منظر موقتی جهت استقبال از بهار ایجاد می‌گردد بازارچه‌های موقت جهت ارائه عناصر موجود در هفت و سین و مراسم عید نوروز شکل می‌گیرد و به همراه حضور و تکاپوی شهروندان باهدفی مشترک، فضای جمعی سرزنده‌ای را پدید می‌آورد. این مناظر موقت حس تعلق را برای شهروندان به ارمغان می‌آورند.</p>	<p>بازارچه های موقت جهت فروش وسایل هفت‌سین</p>	<p>سبزه به در (حضور در پارک شهری)</p>	<p>* * * * *</p>
بازارچه‌ها	<p>بازارچه‌های نوروزی، سفره‌های نوروزی و سفره هفت‌سین و دیدوبازدید خورشیدخوان و آشنایان همراه است. هرسال با نزدیک شده فصل بهار چهارشنبه‌سوری رنگ دیگری به خود می‌گیرد و منظر موقتی جهت استقبال از بهار ایجاد می‌گردد بازارچه‌های موقت جهت ارائه عناصر موجود در هفت و سین و مراسم عید نوروز شکل می‌گیرد و به همراه حضور و تکاپوی شهروندان باهدفی مشترک، فضای جمعی سرزنده‌ای را پدید می‌آورد. این مناظر موقت حس تعلق را برای شهروندان به ارمغان می‌آورند.</p>	<p>بازارچه‌های شهری و محلی، بازارها، بازارچه‌ها</p>	<p>سازه‌های موقت، وسایل سفره هفت‌سین و ...</p>	<p>تجمع و حضور و تکاپوی شهروندان و فروشندگان</p>	<p>* * * * *</p>	<p>بازارچه های موقت جهت فروش وسایل هفت‌سین</p>	<p>سبزه به در (حضور در پارک شهری)</p>	<p>* * * * *</p>	

هویت شهر

شماره سی و سه / سال دوازدهم / بهار ۱۳۹۷

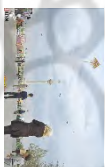
نوع منظر	نمونه	عناصر	متحرک	تجربه	نحوه تأثیر	احساس
هنری- فرهنگی	تئاتر خیابانی و تئاتر مناطقی موقتی را پدید می‌آورند. چنین رویدادی با آوردن تئاتر میان مردم، درگیر شدن نفس به نفس تماشاگر و بازیگر، مشارکت تماشاگر در تئاتر (ایجاد روضه مشارکت)، بین مسائل اجتماعی و بین اسطوره‌ها در قالب نمایش بدون واسطه، احیای مراسم سنتی، سبب ایجاد مشارکت اجتماعی، ایجاد تعامل، ایجاد خاطره جمعی، حس مکان، و همچنین ایجاد کیفیت سربزندی در منظر روزانه و شبانه شهر می‌گردند. (چشمه قصابانی و کریمی)	میلان و عناصر و مبلمان متناسب با برگزاری جشنواره	تجمع و حرکات مردم، حرکات بازیگران	*	فضاهای باز شهری و فضاهای عمومی	تعلق
فرهنگی	برگزاری جشنواره‌های هنری نظیر نقاشی، مجسمه‌سازی، نوشتن در فضاهای شهری مختلف و ... می‌تواند فضاهای شهری را تبدیل به یک گالری هنری نماید و شهروندان را تشویق به مشارکت می‌کند و از طریق یک تجربه مشترک هنری خاطره‌ای جمعی صورت می‌پذیرد که حس تعلق را به همراه دارد	فضاهای باز شهری و فضاهای عمومی	تجمع و حضور مردم و هنرمندان	*	فضاهای باز شهری و فضاهای عمومی	*
فرهنگی	جشنواره‌هایی با مناسبت‌های مختلف در سال برگزار می‌گردند نظیر جشنواره بادبادک که منظری موقتی را در بخشی از فضای شهری ایجاد می‌کند. چنین رویدادی باهدف ایجاد شورونشاط، ضمن قرار گرفتن کودکان در کنار بزرگسالان تجربه‌ای جمعی را رقم می‌زند. همچنین جشنواره‌هایی جهت معرفی جاذبه‌های فرهنگی و گردشگری مناطق مختلف بر پا می‌شود. این رویداد سبب در کنار هم قرار گرفتن اقوام مختلف می‌شود و نوعی همبستگی گروهی ایجاد می‌نماید، تجربه‌ای مشترک که تعامل بین افراد یک جامعه را تقویت، خاطره‌ای جمعی را شکل می‌دهد. واز این طریق حس تعلق را برای شهروندان به ارمغان می‌آورد.	فضاهای باز شهری، فضاهای عمومی	حضور شهروندان خاص برگزاری جشنواره	*	فضاهای باز شهری، فضاهای عمومی	*
فرهنگی	بازارچه‌هایی خیره‌گر که به‌صورت موقت و با اهداف نیکوکارانه برگزار می‌شوند مناظر موقتی هستند که در مواقعی از سال چهره فضاهای شهری و عمومی را تغییر داده و نوعی از سرزندگی را به ارمغان می‌آورند. شهروندان باهدف مشترک نیکوکارانه در تجربه‌ای مشترک مشارکت می‌کنند. این همبستگی در نیکوکاری و احساس رضایت فردی در مشارکتی گروهی خاطره‌ای جمعی را به وجود می‌آورد و سبب تقویت حس تعلق می‌گردد.	فضاهای باز شهری، فضاهای عمومی	حضور شهروندان خاص برگزاری بازارچه	*	فضاهای باز شهری، فضاهای عمومی	*



بازارچه خیره‌گر محک



جشنواره هلی گردشگری



جشنواره بادبادک (برج میلاد تهران)



جشنواره (محوطه هنر) فرهنگستان هنر



جشنواره نقاشی



تئاتر خیابانی



تئاتر (همدان)

ادامه دول ۴. نمونه‌های مناظر موقت و نحوه تأثیر بر تعاملات اجتماعی شهروندان

نوع منظر	نمونه	عناصر	ثابت	متحرک	متحرک	نحوه تأثیر	احساس مشترک
ورزشی	 <p>ورزش‌های همگانی</p>	پارک‌ها، فضا‌های شهری، استادیوم‌های ورزشی و ...	پارک‌ها، فضا‌های شهری، استادیوم‌های ورزشی و ...	حضور شهروندان، هواداران تیم‌های ورزشی، ورزشکاران	*	حضور و تجمع شهروندان و برگزار کنندگان و نیروی انتظامی	*
همایش‌های پیاده‌رویی	 <p>همایش‌های پیاده‌رویی</p>	همایش پیاده‌رویی	همایش پیاده‌رویی	حضور شهروندان، هواداران تیم‌های ورزشی، ورزشکاران	*	حضور و تجمع شهروندان و برگزار کنندگان و نیروی انتظامی	*
قلیل و بعد از	 <p>مناظر موقت بعد از مسابقات ورزشی</p>	قلعروگرای توسط هواداران دو تیم رقیب در استادیوم فوتبال	همایش پیاده‌رویی	حضور شهروندان، هواداران تیم‌های ورزشی، ورزشکاران	*	حضور و تجمع شهروندان و برگزار کنندگان و نیروی انتظامی	*
استادیوم‌های ورزشی	 <p>مناظر موقت بعد از مسابقات ورزشی</p>	همایش پیاده‌رویی	همایش پیاده‌رویی	حضور شهروندان، هواداران تیم‌های ورزشی، ورزشکاران	*	حضور و تجمع شهروندان و برگزار کنندگان و نیروی انتظامی	*
سیاسی	 <p>مناظر موقت بعد از مسابقات ورزشی</p>	همایش پیاده‌رویی	همایش پیاده‌رویی	حضور شهروندان، هواداران تیم‌های ورزشی، ورزشکاران	*	حضور و تجمع شهروندان و برگزار کنندگان و نیروی انتظامی	*
تفریحی	 <p>مناظر موقت بعد از مسابقات ورزشی</p>	همایش پیاده‌رویی	همایش پیاده‌رویی	حضور شهروندان، هواداران تیم‌های ورزشی، ورزشکاران	*	حضور و تجمع شهروندان و برگزار کنندگان و نیروی انتظامی	*
اقتصادی	 <p>مناظر موقت بعد از مسابقات ورزشی</p>	همایش پیاده‌رویی	همایش پیاده‌رویی	حضور شهروندان، هواداران تیم‌های ورزشی، ورزشکاران	*	حضور و تجمع شهروندان و برگزار کنندگان و نیروی انتظامی	*

هویت شهر

شماره سی و سه / سال دوازدهم / بهار ۱۳۹۷

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که بیان گردید رابطه انسان و محیط پیرامونش به صورت کنشی متقابل است. فضاهای عمومی شهر به عنوان محیطی که داستان حیات جمعی در آن روایت می‌شود، عرصه‌ای است که به واسطه کالبد و رخداد‌های پیش‌بینی شده و پیش‌بینی نشده منطقی را به نمایش می‌گذارد که به واسطه حضور انسان و فعالیت‌هایش این کنش متقابل به صورت تعامل انسان با محیط شهری و تعامل با سایرین است. فضای شهری به صورت منظر به کیفیتی قابل ادراک برای شهروندان تبدیل و تأثیرگذار می‌شود. چنانچه این کیفیت در بازه‌های زمانی کوتاه و به صورت موقت صورت پذیرد، علاوه بر بستر و کالبد ثابت شامل عناصر و عواملی موقتی است که منطقی موقت پدید می‌آورد. مناظر موقت به دلیل ایجاد تغییر در منظر دائمی شهر، فضا را در قالب چشم‌اندازهایی متغیر صوری می‌نمایند و نوعی تباین فضایی را صورت می‌دهند. طبق بررسی مصادیق، مناظر موقت در قالب یک رویداد، تسهیلات موقت ویژه‌ای برای شهروندان در جهت رویارویی با مناظر و تجربیات جدید فراهم می‌نمایند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت:

- منظر موقت نقش یک محرک را ایفا می‌کند که کنش‌های اجتماعی آگاهانه و ناآگاهانه را به همراه دارد.
- شهروندان جذب فعالیت‌ها و حضور مردم می‌شوند و این روندی است که خود را تقویت می‌کند.
- به واسطه تجربه و حضوری مشترک ضمن تعامل میان افراد آشنا، افراد تشویق به تعامل با افراد غریبه می‌شوند و نحوه قرارگیری عناصر موقت این کنش اجتماعی را تقویت می‌کند.
- نوعی نمایش شهری پدید می‌آید که شهروندان در آن هم بازیگرند و هم تماشاگر. اوقاتی خاطره ساز رقم می‌خورد و خاطره‌ای جمعی شکل می‌گیرد.
- کیفیت منحصر به فرد هر یک از مناظر موقت و تباین فضایی ویژه‌ای که سبب ادراک محیطی متفاوت می‌شود، حس تعلق را افزایش می‌دهد.
- در مجموع این افزایش تعامل فرد با محیط و سایر شهروندان، افراد را تبدیل به شهروندی فعال می‌نماید؛ مسئله‌ای که مدنظر بسیاری از معماران، طراحان و برنامه ریزان شهری است. از این رو اگرچه مناظر موقت در ابتدا با طراحی حرفه‌ای غیر مرتبط به نظر می‌رسند، به عنوان ایده‌ای جدید و راه‌حلی متفاوت در ارتقاء کیفیت محیط و زندگی اجتماعی شهروندان می‌تواند مورد توجه معماران، برنامه ریزان و طراحان شهری قرار گیرد تا با سازوکار مؤثرتری صورت پذیرد.

پی‌نوشت‌ها

1. Kyoto
2. Kibune

فهرست مراجع

۱. آشیپاراه، یوشی نو با. (۱۳۹۱). *زیبا شناسی منظر شهر*. (دکتر فرح حبیب، مترجم) تهران: جاوید نو.
۲. الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۷). *زبان الگو: شهرها*. (ک. رضا، مترجم) تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۳. بهزادفر، مصطفی، و طهماسبی، ارسلان. (۱۳۹۲). *شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی؛ تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان‌های شهری*: نمونه مورد مطالعه سنندج. *باغ نظر*، ۱۰(۲۵)، ۱۷-۲۸.
۴. تبریزی، امید؛ مختاباد امرئی، سید مصطفی و فیضی، محسن. (۱۳۹۱). *اثرات طراحی فضاهای شهری و معماری جمع‌گرا بر تعاملات و ارتباطات اجتماعی*. *نشریه مدیریت شهری*، (۳۷) ۱۳، ۲۷۱-۲۵۷.
۵. تی وود، جولیا. (۱۳۷۹). *ارتباطات میان فردی: روانشناسی تعاملات اجتماعی*. تهران: انتشارات مهتاب.
۶. حبیب، فرح. (۱۳۸۵). *کند و کاوی در معنای شکل شهر*. *نشریه هنرهای زیبا* (۲۵)، ۵-۱۴.
۷. حبیب، فرح. (۱۳۸۷). *کالبد شهری: بازتابی مفهوم شهروندی از تعامل اجتماعی با رویکرد ارتقاء کالبدی فضاهای شهری*. *مسکن و محیط روستا* (۱۲۱)، ۲-۱۳.
۸. حبیب، فرح، نادری، سید مجید، جهانشاهلو، لعل، و فروزانگهر، حمیده. (۱۳۹۱). *سنجش چارچوب ارزیابی سرمایه اجتماعی در ساختار شهر با تأکید بر نقش فضاهای عمومی (مطالعه موردی: شهر تهران)*. *هویت شهر*، (۱۲)، ۵-۱۴.
۹. رایاپورت، اموس. (۱۳۹۱). *معنی محیط ساخته شده؛ رویکردی در ارتباط غیر کلامی*. (دکتر فرح حبیب، مترجم) تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۱۰. شوای، فرانسواز. (۱۳۷۵). *شهرسازی، تخیلات و واقعیات*. (س. حبیبی، مترجم) تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۱. فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). *انسان شناسی شهری*. تهران: نشر نی.
۱۲. کالن، گوردون. (۱۳۸۲). *گزیده منظر شهری*. (منوچهر طیبیان، مترجم) تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. گل، یان. (۱۳۸۷). *زندگی در فضای میان ساختمان‌ها*. (سیماسختی، مترجم) تهران: سازمان انتشارات جهاد.
۱۴. گل، یان. (۱۳۹۱). *شهر انسانی*. (دکتر علی غفاری، مترجم) تهران: مؤسسه علم معمار.
۱۵. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). *جامعه شناسی*. (منوچهر صبوری، مترجم) تهران: نشر نی.
۱۶. لائوسون، برایان. (۱۳۹۱). *زبان فضا*. (علیرضا عینی فر و فؤاد کریمیان، مترجم) تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. لنگ، جان. (۱۳۸۱). *آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط*. (علیرضا عینی فر، مترجم) تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. لینچ، کوین. (۱۳۷۴). *سیمای شهر*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

uploads/2012/SAJ2012_1_PLehtoivuoriSRuoppila.pdf.

23. Halprin, L. (1972). *Cities: Revised Edition*. Mit Press.

24. Mayo, J. (2009). Temporary landscapes. *Journal of Architectural and Planning Research*, 26(2), 124-135.

25. Şenyol, Ö. (2010). *Exploring Temporary Usage Opportunities of Urban public Spaces for Event Organizations*.

İzmir: The Graduate School of Engineering and Sciences of İzmir Institute of Technology in Partial Fulfillment of the Requirements. Retrieved 8 20, 2013, from <http://library.ciYTE.edu.tr/tezler/master/kentseltasarim/T000885.pdf>

26. Stevens, Q. (2012). *Theorising and Planning for Temporary Use*. 26th Annul Congress, Ankara, Turkey. 26th Annul Congress. Ankara, Turkey.

۱۹. مدنی پور، علی. (۱۳۷۹). طراحی فضای شهری؛ نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی. (فرهاد مرتضایی، مترجم) تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).

20. Ada, S. H. (2006). *A temporary landscape recipe -To reclaim Hong Kong's lost landscape opportunity*. Hong Kong: The University of Hong Kong Architecture Department.

21. Carmona, M., Tim, H., Taner, O., & Steve, T. (2003). *Public Places and Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design*.

22. Correy, A. (1978). *Ephemera Landscapes a case for temporary landscape design in a changing society*. Sydney: UtopianTechnologyFair, University of Sydney experimental urban planning, S A J. Retrieved, from <http://saj.rs/>



Eventually, this urban display will increase social interaction and turn citizens into active citizenship as an issue that many architects, planners and planners consider. Although temporary landscapes are initially unrelated to professional design, it can be considered by architects, planners and urban planners as a new idea and a different solution to improve the quality of the social environment of citizens, to be more effective.

Keywords: Temporary Landscape, Social Interaction, Collective memory, Belonging sense to place, Meaning creating.



An Analytical Approach to the Impact of the Temporary Landscape Mechanism for Improving Social Interaction

Maryam Cheshmehghasabani, Ph.D., Department of Architecture, Faculty of Civil, Architecture and Art, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

*Hassan Ali Laghai**, Ph.D. Associate Professor, Faculty of fine Art, Tehran University, Tehran, Iran.

Farah Habib, Ph.D., Professor, Department of Architecture, Faculty of Civil, Architecture and Art, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

Temporary landscapes are temporary covers for permanent landscapes that, although they remain for a short time, their effects on the perception of people from the environment and making meaning, are more resistant. Considering that temporary landscape as a new subject with wide dimensions as a specialty has been addressed in very limited cases in some researches and designs, its features, as they should, are not known and not used. Researches in this regard seem to have not been significantly and strategically focused on this subject. Therefore, in this essay, it has been attempted in a fundamental theoretical form to use a logical reasoning method to explain the temporary landscape mechanism by using a descriptive-analytic method using documents and texts, and also considering this category as a new topics, effects of temporary landscapes on social behaviour and social interactions of citizens have been investigated. The results of the research show that the relationship between man and his environment is interactive. The public spaces of the city as an environment in which the story of collective life is narrated is an area which, through the, physical aspects and predicted and unpredictable events, reveals a perspective that, through the presence of man and his activities, this interaction is a human interaction with the urban environment and interaction with others. Urban space becomes perceptible quality to citizens in a landscaped way. If this quality is performed at short intervals and temporarily, in addition to the permanent physical aspects and landscapes, it contains temporary elements that create a temporary landscape. Due to the change in the permanent landscapes of the city, temporary landscapes make space in the form of variable perspectives and make some kind of spatial contrast. According to the case studies, temporary landscapes in the form of an event provide special temporary facilities for citizens to confront new landscapes and experiences. Consequently, these points can be concluded:

The temporary landscape, by creating a new experience from the landscape as a stimulus, leads to conscious and unconscious social actions.

Citizens are attracted to the activities and presence of others and this is a process that strengthens itself.

Through the experience and the presence in common, while interacting with familiar individuals, individuals are encouraged to interact with strangers and the way in which temporary elements are placed will reinforce this social action.

Through collective experience and presence, a kind of landscape emerges where citizens are both actors and spectators that form collective memories.

The unique quality of each of the temporary landscapes and the special spatial contrast that causes different perceptions of the environment increases the sense of belonging.

* Corresponding Author: Email: hlaghai@ut.ac.ir